

## Foundations of Self-Founder in Human Self-Education From the Perspective of Quran and Hadith

### ARTICLE INFO

*Article Type*  
Research Article

#### Authors

Fatemeh Sahebian<sup>1</sup>  
Mohammad Hadi Yadollahpour<sup>2\*</sup>  
Seyed Ahmad Mirian<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Fatemeh Sahebian, Mohammad Hadi Yadollahpour, Seyed Ahmad Mirian, Foundations of self-founder in human self-education from the perspective of Quran and Hadith, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2021:5(3): 19-26.

1. PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
2. Associate Professor, Department of Islamic Education, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. Associate Professor, Department of Islamic Education, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Education, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

#### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: [m.yadollahpour@mubabol.ac.ir](mailto:m.yadollahpour@mubabol.ac.ir)

#### Article History

Received: 2021/06/22  
Accepted: 2021/09/11

### ABSTRACT

**Purpose:** The aim of this study was to investigate the principles of self-reliance in human self-education from the perspective of Quran and Hadith.

**Materials and Methods:** The present study was prepared in a descriptive-analytical manner using library resources.

**Findings:** The findings showed that self-control is a preconceived concept and a bedrock in human self-improvement and piety. This is based on the specific principles that are examined in detail in this article, as the basis and guide of human self-education. In order to meet the innate and instinctual needs of human beings in the path of life and in the face of real events, mental dangers and inner feelings, human beings are placed in the orbit of balance and health and are protected from psychological and intellectual damages.

**Conclusion:** The results showed that human balance in all aspects of life that leads to psychological and educational issues depends on the institutionalization of the principles of self-control.

**Keywords:** Architectural Design, Healing Environments, Stress, Anxiety, Depression

## مبانی خویشتن بانی در خودتربیتی انسان از منظر

### قرآن و حدیث

#### فاطمه صاحبیان<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

#### محمد هادی یدالله پور<sup>۲\*</sup>

دانشیارمدعو، گروه معارف اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.  
دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران (نویسنده مسئول).

#### سید احمد میریان<sup>۳</sup>

استادیار، گروه معارف، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

#### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی مبانی خویشتنبانی در خودتربیتی انسان از منظر قرآن و حدیث انجام گرفت.

**مواد و روش ها:** پژوهش حاضر به شیوه ی توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای فراهم آمد.

**یافته ها:** یافته ها نشان داد خویشتنبانی مفهومی پیشادینی و بسترساز در خود سازی و تقوا پیشگی انسان است. این امر ناظر به مبانی مشخصی که در این مقاله تفصیلاً بررسی می گردد، به مثابه ی اساس و راهنمای خودتربیتی انسان قرار می گیرد. انسان به جهت پاسخگویی به نیازهای فطری و غریزی انسان در مسیر زندگی و در مواجهه با پیشامدهای واقعی، خطورات ذهنی و احساسات درونی می باشد تا انسان را در مدار تعادل و سلامت قرار دهد و از آسیب های روانی و فکری حفظ نماید.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان داد که تعادل انسان در تمام وجوهات زندگی که منتج به مسائل روانی و تربیتی میشود در گرو نهادینه شدن مبانی خویشتنبانی میباشد.

**واژگان کلیدی:** خویشتن بانی، خودتربیتی، اعتدال یابی، مدیریت رنج، مدیریت راحت و لذت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

\* نویسنده مسئول: [m.yadollahpour@mubabol.ac.ir](mailto:m.yadollahpour@mubabol.ac.ir)

#### مقدمه

خویشتن بانی دارای پیشینه ای به موازات شروع زندگی بشریت در عالم دنیا است. شناخت خود، به کارگیری روش هایی برای مبارزه با تهدیدات، آزمون و خطا برای یافتن بهترین راه در به کارگیری منابع طبیعی برای ارتقای زندگی و تبدیل تهدیدبه فرصت از مسائلی است که در اولین بلوغ فکری به سراغ انسان می آید و انسان را محتاج برنامه ای جامع در این راستا می گرداند. از این رو خداوند بعد از خلق آدم(ع) به او راه و رسم زندگی آموخت و اجتناب از درخت ممنوعه را بر او تکلیف نمود. داستان میوه ممنوعه سه مرتبه در قرآن آمده بقره (آیه ۳۵-۳۸)، اعراف (آیه ۱۹-۲۳) و طه (آیه ۱۲۰-۱۲۲) و تورات نیز با روایتی متفاوت به این ماجرا پرداخته است. از این جا می توان دریافت که اهمیت تبعیت از تکلیف تا به چه اندازه است. ابتلائات الهی در سراسر زندگی انبیاء نقطه ی عطفی است از این که رشد انسان در گرو خویشتن بانی است و خویشتن بانی در تربیت و ساختار و شاکله ی انسان نقش مؤثری دارد.

ضرورت پژوهش حاضر در نقش مبانی خویشتن بانی در خودتربیتی انسان می باشد. این پژوهش با بررسی مبانی خویشتن بانی به این سوال که آیا انسان بدون مربی بیرونی قادر به تربیت خویش می باشد پاسخ می دهد و به این نتیجه می رسد که اگر یک انسانی بتواند مبانی خویشتن بانی که متشکل از بینش و اعتقادات صحیح می باشد را بپذیرد، به خوبی خواهد توانست در تمامی وجوهات زندگی خویش میانه رو باشد.

#### پیشینه

از سوی دیگر خویشتن بانی مفهومی پیشادینی است و باتوجه به گستره ی وسیع خویشتن بانی، در دو سطح برون دینی و درون دینی پژوهش هایی در این موضوع انجام شده است. برخی از پژوهشگران از منظر غیر دینی به این موضوع پرداخته اند و آن را مایه ی تأمین امنیت و سلامت روانی انسان دانسته اند. و برخی دیگر از پژوهشگران که خویشتن بانی را از منظر دین معنا نموده اند مستقیماً به سراغ نتیجه ی مطلوب آن یعنی «تقوا» رفته اند. (۱، ۲، ۳، ۴، ۵).

#### مفهوم شناسی

خویشتن بانی مفهومی نو بیان اما با قدمتی طولانی به موازات خلقت آدم(ع) است؛ که در آموزه های دینی از آن با عنوان نتیجه ی مطلوبش یعنی «تقوا» نام گذاری شده است که در آیات و روایات متعددی از آن یاد شده است. تقوا اسم مصدر از ریشه «و ق ی»، در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید و فوق العاده است. (۶، ۷) در اصطلاح روانشناسی خودکنترلی (خویشتن داری) به معنای بازداری کردن از تکانه های شدید و عملی از روی اراده برای کنترل هیجانات است (۸). شهید مطهری نیز تقوا را از منظر پیشا دینی این گونه بیا می کند که «تقوا» مختصات دینداری نیست بلکه لازمه ی انسانیت است. (۹)

علامه طباطبایی(ره) نیز در تفسیر آیه دوم سوره مبارکه بقره، امکان مرتبه ای از تقوا در انسان را پیش از ایمان دینی و صرفاً از آن جهت که انسان است و نه لزوماً دیندار، مورد تأیید قرار می

دهند. (۱۰). آیات ۱۰۶ تا ۱۰۸ سوره شعرا نیز نشان می‌دهد پذیرفتن دعوت انبیا و اطلاعات از ایشان به روحیه‌ی تقوا نیاز مند است (۱۱). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که خویش‌بانی مرتبه‌ای از تقوا برای همه‌ی انسان‌ها است.

#### مبانی خویش‌بانی

بیش‌اولین گام مهم و مؤثر در نوع عملکرد انسان است که مبانی خویش‌بانی را تشکیل می‌دهد. به طور کلی جهان بینی بر دو گونه است: الهی و مادی. تفاوت این دو بینش، از اعتقاد به خدا برمی‌خیزد؛ زیرا بینش الهی بر ایمان به خدا استوار است؛ بر خلاف بینش مادی که خداوند را باور ندارد. در بینش الهی، سه موضوع بنیادی انسان، خالق هستی و جهان هستی در این معنای بینش مطرح‌اند. در این بینش انسان خدامحور است و همه هستی را در پیوند با آفریدگار می‌بیند و بازمی‌شناسد و انسان خود را موجودی هدفمند و مسؤل می‌داند در حالی که در بینش مادی این چنین نیست (۱۲).

از این رو بینش خداسو به مثابه‌ی جانی است که به تمام ابعاد زندگی انسان حیات می‌بخشد و او را در آغوش خویش پرورش می‌دهد. خویش‌بانی الهی زاییده‌ی بینش خداسو است که در معنای حلقه‌ی وصلی برای ارتباط میان این و آن است. خویش‌بانی الهی جایگاهی فراتر از ایمان و اسلام است، با توجه به آیه «وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (بقره/ ۲۷۸؛ مائده/ ۱۱۲؛ آل عمران/ ۱۰۲، ۲۰۰) و دیگر آیاتی که ایمان زمینه برای خویش‌بانی الهی قرار گرفته است، می‌توان بیان داشت مرتبه‌ی خویش‌بانی الهی فوق مرتبه‌ی ایمان می‌باشد؛ دست یافتن به خویش‌بانی الهی زمینه می‌خواهد و زیربنای آن به وسیله‌ی ایمان پی‌ریزی می‌شود به طوری که هر چه ایمان مستحکم‌تر باشد رشد خویش‌بانی الهی در فرد سریع‌تر است (۱۳). در بینش الهی آنچه برای انسان ضروری است، از یک سو توجه به باورهای صحیح ذهنی و انتزاعی از جمله شناخت خدا، اعتقاد به معاد، و شناخت خویش می‌باشد که هرگز قابل لمس شدن نسبت و تنها در عمیق‌ترین احوالات ذهنی ریشه دارد، که در اصطلاح به آن «بینش انفسی» گفته می‌شود؛ زیرا مفاهیمی تجربه‌ناپذیر است که در درون انسان بوده و کسی جز انسان از آن آگاه نیست و لازم است برای کشف حقیقت انسان با بهره‌گیری از آیات و روایت در درون خود سیر کند. از سوی دیگر توجه به باورهای صحیح در امورات عینی که برای همگان محسوس است و در خارج از وجود فرد اتفاق می‌افتد و بر او عارض می‌گردد؛ شناخت جهان هستی و متعلقات آن از جمله رنج و نعمت از مصادیق آن به شمار می‌آید و در اصطلاح به آن «بینش آفاقی» گفته می‌شود؛ زیرا خارج از وجود انسان بوده و برای شناخت او را در جهان هستی بیرون از خودش سر می‌دهد. از این رو بینش الهی در دو محور انفسی و آفاقی قابل تبیین است.

#### مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای فراهم آمد.

#### یافته‌ها

##### بینش انفسی

در بینش انفسی به شناخت مسائل انتزاعی و تجربه‌ناپذیری اشاره می‌شود که در عمیق‌ترین مراتب ذهن لانه‌گزینی کرده و مبانی اعتقادات انسان و در نهایت سبک زندگی او را شکل می‌دهد. بینش انفسی از مهمترین لوازم ضروری برای شکل‌گیری خویش‌بانی است که منتج به خدامحوری شده و بستر ساز تقوا پیشگی و طاعت‌پذیری انسان خواهد بود. این بینش در سه محور مبدأشناسی، انسان‌شناسی، معادشناسی قابل تبیین است.

##### مبدأشناسی

شناسایی مبدأ و خالق اولین گامی است که در مسیر شکل‌گیری بینش صحیح انسان قرار می‌گیرد. خداشناسی به این معناست که انسان به حقیقتی برسد که درک کند خداوند علت و خالق اوست و او عین نیاز و متعلق به خداوند است. چنانکه در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/ ۱۵) این که فقر و نیاز منحصر در انسان و غنا و بی‌نیازی منحصر در خدای تعالی است (۱۰). او خدا است در حالی که همه انسان‌ها و موجودات نیازمند به آن وجود مستقل هستند که اگر لحظه‌ای ارتباطشان قطع شود هیچ‌اند. همان‌گونه که او بی‌نیاز مطلق است انسان‌ها فقر مطلقند، و همان‌گونه که او قائم به ذات است مخلوقات همه قائم به او هستند، چرا که او وجودی بی‌نیاز از هر نظر بوده و در ذات و صفات واجب الوجود می‌باشد. (۱۴)

در روایات نیز این چنین در اهمیت خداشناسی بیان شده است که امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هر که خدا را شناخت، معرفتش کامل گشت ایشان در میان دو علم مهمی که انسان باید بیاموزد خداشناسی را اعلی از هر دو معرفی می‌نماید (۱۵) و می‌فرماید: «علم داشتن به خدا، برترین دو علم است.» (۱۵) امام علی (ع) آثار شناخت خدا را موجب دل‌کندن از دنیا، ترس از خدا، پشت کردن به دنیای فانی معرفی می‌کند. به علاوه این معرفت آثار فراوان فردی و اجتماعی را به همراه دارد که یکی از مهم‌ترین آن، ایجاد انگیزه و اراده در شکل‌گیری خویش‌بانی در افکار و نیت انسان است؛ زیرا هر زمان انسان علت تامه تمام سؤالات خویش را دریابد، دل خاشع می‌گردد و تبعیت شکل می‌گیرد، در این زمان است که خویش‌بانی و مهار نفس میسر می‌گردد.

##### انسان‌شناسی

انسان‌شناسی شامل مسائلی است که به شناخت هویت انسان در ابعاد گوناگون کمک می‌کند و انسان را به خودش می‌شناساند. آنچه در مسیر هدایت انسان حائز اهمیت است شناخت خویش است، انسان تا هویت واقعی خویش را نشناسد، به کمال حقیقی خود وقوف و معرفت نیافته و در نتیجه نمی‌تواند به آن نائل شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مِّنْ ضَلٍّ إِذَا هْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» ای اهل ایمان! مراقب [ایمان و ارزش‌های معنوی] خود باشید؛ اگر شما هدایت یافتید، گمراهی کسی که گمراه شده به شما

انجام دهد آن‌چه از عمل بر آن مستحق می‌شود را به صورت عقاب و عذاب می‌بیند (۲۰).

خداوند در آیه‌ی «أَمْ حَسِبْتَ أَنْ أَصْحَبَ الْكَهْفَ وَالرَّقِيمَ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»؛ آیا گمان کردی که اصحاب کهف و رقیم از نشانه‌های شگفت‌انگیز ما بودند؟ [چنین نیست؛ زیرا ما را در پهن دشت هستی نشانه‌هایی شگفت‌انگیزتر از اصحاب کهف است] (کهف/۹)، این بیان اشاره به این معنا دارد که اگر خدای تعالی موجودات روی زمین را در نظر بشر جلوه داده و دل‌های آدمیان را مجذوب آن‌ها نموده تا به آن‌ها رکون و اطمینان کنند و توجه خود را به ایشان معطوف دارند، همه به منظور امتحان است و همچنین اگر پس از گذشتن اندک زمانی همه آن‌ها را با خاک یکسان نموده، از نظر انسان می‌اندازد (۱۰). انسان معتقد به معاد، خود را در چارچوب خویشتن‌بانی قرار می‌دهد و محاسبه‌ی نفس را بر لذت خواهی افسار گسیخته ترجیح می‌دهد؛ زیرا هدفی والا را چشم انداز خود قرار می‌دهد و خوف و رجای حساب رسی و وجود معاد انگیزه‌ی راه او می‌گردد. از این رو یکی از لوازم مهمی که انسان را در این مسیر متعهد می‌کند توجه و اعتقاد به معاد است.

#### بینش آفاقی

بینش آفاقی عبارت است از مفاهیم عینی و مصادیق تجربه‌پذیر و ملموسی که از بیرون، برانسان عارض می‌شود، او را با خود درگیر کرده و تحت تأثیر قرار می‌دهد. بینش انسان نسبت به این نوع مفاهیم، از مبانی خویشتن‌بانی در ساختار بخشی به شاکله‌ی وجودی انسان به شمار می‌آید و نوع شناخت هر انسان نسبت به این مفاهیم سبک زندگی ایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مفاهیم به طور عمده در دو عنوان رنج و نعمت خلاصه می‌گردد.

#### نعمت شناسی

نعمات گوناگون مادی از خوراکی‌ها و گیاهان متنوع تا آب و خاک و جهانی پر رمز و راز که در بدن انسان قرار داده تا نعماتی همچون احساس، تعقل، محبت، نفرت و... که از مقام حس فراتر است را در جهت پیمودن مسیر کمال به کار گیرد. فطرت خداجو اولین نعمتی است که به انسان‌ها داده شده است تا به واسطه‌ی آن انسان ایمان بیاورد و در این مسیر خویشتن‌بانی نماید تا کمال لازم را به فعلیت برساند؛ اما گمراهان از این نعمت بی‌بهره‌اند، البته نه به معنای این که در وجودشان نباشد، بلکه فطرشان منزوی شده و جایش را به طبیعت انسانی داده است. به بیان دیگر دوقطبی که در مخالفت همدیگر هستند و هریک انسان را به سوی خود می‌کشاند یکی «ما فی الانسان» (۲۱) یا همان فطرتی است که خدا را می‌خواهد و دیگری «ما فی الشرایط» (همان ۲۳) یا همان طبیعتی است که نفسانیت انسان را شعله‌ور می‌سازد.

#### نعمت ایمان

آیه‌ی «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ این چنین نیست که می‌گویند، بلکه گناهانی که همواره مرتکب شده‌اند بر دل‌هایشان چرک و زنگار بسته است [که حقایق را افسانه می‌پندارند

زیانی نمی‌رساند بازگشت همه‌ی شما به سوی خداست؛ پس شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد. (مائده/۱۰۵)

بیان آیه‌ی گرچه آیه معنایش بظاهر روشن است، و مؤمنین را امر می‌کند به اینکه بخود بپردازند، و مراقب راه هدایت خود باشند، و از ضلالت کسانی که از مردم گمراه شده‌اند نهراسند، و بدانند که خدای تعالی حاکم بر جمیع مردم است، در هر کسی بر حسب عملش حکم می‌کند. (۱۰)

در آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» لفظ «عليكم» در اینجا اسم فعل است، و در فارسی به معنای بر شما باد و کلمه‌ی «انفسکم» مفعول آن است و در این قسم معلوم می‌شود که گمراهی و هدایت (که دو معنای متقابلند) معنایی هستند که در سلوک طریق محقق می‌شوند و در غیر آن معنا ندارند.

در تفاسیر روایی این آیه را در معرفت امام دانسته‌اند که ائمه آن را صراحتاً در حق خود بیان داشته و علت بیان آیه را تقیه معرفی نموده‌اند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي النَّبِيِّ» (۱۶) و امام رضا (ع) فرمودند: «لَيْسَ فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا فِي حَقِّهَا» که در همه‌ی آیاتی که اشاره دارد به کسانی که ایمان آوردند، آیه‌ی ای نازل نشد مگر در حق ما معصومین (ع). در مورد خودشناسی امام علی (ع) می‌فرماید: «كُفِيَ بِالْمَرْءِ مَعْرِفَةَ أَنْ يَعْرِفَ نَفْسَهُ» (۱۷). یعنی برای معرفت آدمی همین بس که خودش را بشناسد. در نتیجه خودشناسی یا همان انسان‌شناسی از لوازم و مقدمات مهم تحقق خویشتن‌بانی الهی است که لازم است در ابتدا در بینش انسان شکل گیرد تا زمینه برای تحقق خویشتن‌بانی الهی آماده گردد.

#### معاد شناسی

شناخت مقصد و هدف برای انسان امر بسیار مهمی است. اگر هدف برای انسان مشخص گردد، برنامه‌ریزی درست و خدایپسندانه برای زندگی شکل می‌گیرد. انسان رنج‌های مادی را به شوق ایصال به هدف متعالی به جان می‌خورد و خویشتن را خویشتن‌بانانه نظارت می‌کند تا با عمل خدا پسندانه اش در مسیر هدایت و مقصد قرار گیرد. از این رو شناخت معاد از لوازم و مقدمات ضروری برای تحقق خویشتن‌بانی به شمار می‌آید. قرآن برای شناخت انسان از معاد آیات گوناگونی را عرضه می‌کند به طوری که برخی آن را یک سوم قرآن (۱۸). و برخی هم چون علامه آن را دو هزار آیه دانسته‌اند (۱۰) و برخی دیگر هزار و چهارصد و هزار و دویست آیه هم معرفی کرده‌اند (۱۹). به هر رو این میزان از آیات بیانگر میزان اهمیت معرفت در رابطه با معاد و نقش هدایتگر آن در زندگی انسان است و تنها مواردی در قرآن بیان می‌شود که به هدایت انسان کمک کند این درحالی است که بسیاری از اسرار به قوت خود باقی است. در آیه‌ی «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله/۷-۸) خداوند به انسان تلنگر می‌زند که اعمالشان بر خلاف جسمشان ماندگار است و اعمال در بعد روحانی انسان حفظ می‌گردد تا در آخرت مورد بررسی قرار گیرد. این دو آیه به این معناست که پس هر کس به وزن ذره‌ای از خیر عمل کند، ثواب و پاداش آن را می‌بیند و هر کس به وزن ذره‌ای کار بد

[مطففین/۱۴] اشاره به انزوای فطرت دارد. راغب رین را این گونه بیان می‌کند که به معنای غبار و زنگ، و یا به عبارتی تیرگی است که روی چیز گران‌بهای بنشیند؛ در قرآن «بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ» یعنی گناهان مانند زنگی و غباری شد که روی جلای دل‌هایشان را گرفت، و آن دل‌ها را از تشخیص خیر و شر کور کرد پس این زنگ بودن گناهان بر روی دل‌های آنان عبارت شد از حائل شدن گناهان بین دل‌ها و بین تشخیص حق آن طور که وجود دارد (۱۰)؛ لذا توان درک و تعقل در مورد این نعمت را ندارد؛ خداوند ایمان و عمل صالح را از نعمات خویش می‌شمارد.

همچنین در آیهی «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» به آن اشاره می‌کند؛ به این معنا که راه کسانی [چون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان] که به آنان نعمت [ایمان، عمل شایسته و اخلاق حسنه] عطا کردی، هم آنان که نه مورد خشم تواند و نه گمراه‌اند (حمد/۷). احادیثی در معرفی نعمت انسان بیان شده است که هر یک به وجهی از آن اشاره دارد، اما آن نعمتی که به عنوان برترین و کامل‌ترین نعمات معرفی می‌شود اطاعت از رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) ایشان است (۲۲). معاویه بن وهب نقل می‌کند که از امام صادق (ع) در مورد «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» پرسیدند ایشان فرمودند منظور یهود و نصاری است (۲۳)؛ همچنین ابی عمیر نقل مرفوعی دارد که می‌گوید گمراهان اشاره دارد به کسانی که امام خویش را به درستی نشناختند و در آن شک نمودند. در تفسیر «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» در این آیه خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَطْعِ اللَّهُ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»؛ و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند. (نسا/۶۹)

همانطور که در سوره حمد، بیان شده است کسانی که مشمول این نعمتند، همواره در جاده مستقیم گام برمی‌دارند و کوچک‌ترین انحراف و گمراهی ندارند؛ سپس چهار طایفه را به عنوان ارکان چهارگانه این موضوع معرفی می‌کند، که عبارتند از: اول انبیاء و فرستادگان مخصوص پروردگار که نخستین گام را برای هدایت و رهبری مردم و دعوت به صراط مستقیم برمی‌دارند؛ دوم راستگویان، کسانی که هم در سخن راست می‌گویند و هم با عمل و کردار صدق گفتار خود را اثبات می‌کنند و نشان می‌دهند که مدعی ایمان نیستند بلکه برآستی به فرمان‌های الهی ایمان دارند؛ یعنی اخلاص در امانت داری و دوری از نفاق در بعضی از روایات صدیق به علی ع و امامان اهل بیت ع تفسیر شده است. سوم «شهادا» هستند که شامل کشته شدگان در راه هدف و عقیده‌ی پاک الهی یا افراد برجسته‌ای که در روز قیامت شاهد و گواه اعمال انسان‌ها هستند و گروه چهارم «صالحان» هستند که شامل افراد شایسته و برجسته‌ای می‌شوند که با انجام کارهای مثبت و سازنده و مفید و پیروی از اوامر انبیاء به مقامات برجسته‌ای نائل شده‌اند. در احادیث صالحان را یاران برگزیده‌ی ائمه (ع) معرفی نموده‌اند (۱۹).

در تفسیر آیهی «أَفَمَنْ يَمَسُّ مِكْبَأً عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمَسُّ سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» آیا کسی که نگویند و به صورت افتاده حرکت

می‌کند، هدایت یافته تر است یا آنکه راست قامت بر راه راست می‌رود؟ (ملک/۲۲) پذیرش ولایت امیرالمؤمنین (ع) را صراط مستقیم معرفی می‌نماید (۱۶) و در آیات دیگر خداوند می‌فرماید هر کسی در صراط مستقیم باشد یعنی از نعمت الهی بهره مند گشته است. اهل سنت نیز در تفسیر صراط مستقیم بر همین نظرند؛ برخی مفسران بیان نمودند که «صراط» در «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» بدل است از صراط مستقیمی که در آیهی قبل بیان شد، یعنی طریق آنان که بر ایشان توفیق رعایت و منت را نعمت کردی و برایشان توفیق هدایت را نهادی؛ عبد الله بن عباس در این باره می‌گوید: «(منظور) قوم موسی و عیسی اند پیش از آن که نعمت بر خود گردانیدند.» و شهر بن حوشب نیز می‌گوید: «(منظور) اهل بیت رسول (ص) و اصحاب اویند» (۲۴). بنابر آنچه در معنای صراط مستقیم و کسانی که نعمت بر آن‌ها تمام شد، بیان شده است، بهتر می‌توان معنای نعمت و مصادیق آن را درک نمود و کسی که افکار و اعمال و رفتار خویش را به کسانی که نعمت خدا بر آن‌ها تمام شده نزدیک گرداند و محبت ایشان را در دل نگه دارد از نعمت کامل الهی بهره مند می‌گردد.

#### شکر گزاری نعمت

در آیهی «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُتْمَ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»؛ از نعمت‌هایی که خدا روزی شما کرده است، حلال و پاکیزه بخورید، و نعمت خدا را سپاس گزارید، اگر تنها خدا را می‌پرستید (نحل/۱۱۴)؛ در این آیه به مدیریت راحت و لذت اشاره دارد. یعنی انسان باید در نعمت‌ها با قناعت ورزی و حسن مدیریت مانع از زیاده روی و طغیان خویش گردد؛ همچنین در ادامه به ارتباط شکرگزاری با نعمت و خداواری اشاره دارد که یکی از مؤلفه‌های پذیرش توحید را شکرگزاری در برابر نعمت‌ها معرفی می‌کند. با توجه به آیات و روایات مهمترین عملکردی که انسان باید در رابطه با نعمت داشته باشد، شکرگزاری است که مراتب مختلفی دارد و در هر مرتبه انسان را در تناسب با بهره‌مندی از آن نعمت قرار می‌دهد؛ یعنی کسی که سعی دارد آب را اسراف نکند به همین میزان شکرگزار نعمت خداوند بوده و انسانی که محب و ولایت اهل بیت (ع) را در دل دارد در مقام ادای شکرگزاری این نعمت بالاترین درجه را عملی کرده است؛ به بیان دیگر شکرگزاری به معنای بهره‌مندی به جا و کامل مطابق دستور الهی از نعمات می‌باشد. از این رو خویش‌بانی با اعتدال‌گزینی و دوری از افراط و تفریط راهی است برای تحقق شکرگزاری و توحید پذیری، که انسان را در مدار رشد و سعادت قرار می‌دهد و پذیرش قوانین و مبارزه با هوای نفس را برایش میسر می‌گرداند.

#### رنج شناسی

تجربه تمام انسان‌ها در زندگی شخصی خود در طی تاریخ، گواه بر این امر است که بخش مهمی از زندگی آدمی، توأم با درد و رنج است؛ تا آنجا که می‌توان رنج را زبان مشترک انسان‌ها نامید. همان‌گونه که برای اندیشه انسان نمی‌توان نقطه آغازی در نظر گرفت؛ رنج هم از ابتدا با انسان بوده و امری آشنا در زندگی انسان

به ذکر این حقیقت می پردازد که امتحان یک سنت همیشگی و جاودانی الهی است، امتحان مخصوص شما جمعیت مسلمانان نیست، سنتی است که در تمام امت‌های پیشین جاری بوده است و می‌فرماید: «ما کسانیا را که قبل از آنها بودند آزمایش کردیم (و لقد فتننا الذین من قبلهم) آنها را نیز در کوره های سخت امتحان افکنیدیم، آنها نیز هم چون شما در فشار دشمنان بی‌رحم و جاهل و بیخبر و متعصب و لجوج قرار داشتند، همیشه میدان امتحان باز بوده و گروهی در این میدان شرکت داشته اند باید هم چنین باشد؛ چرا که در مقام ادعا هر کس می تواند خود را برترین مؤمن، بالاترین مجاهد، و فداکارترین انسان معرفی کند، باید وزن و قیمت و ارزش این ادعاها از طریق آزمون روشن شود.» (۱۹).

از این رو هر انسانی در زندگی خود لزوماً با درد و رنج مواجه می‌شود. زیرا دنیایی که در آن زندگی می‌کند، دنیایی محدود است که ظرفیت برآورده کردن همه خواسته‌های او را ندارد. از طرف دیگر، انسان خود مجموعه‌ای است از خواسته‌های متضاد که برآورده کردن یک نیاز مستلزم تحمل رنج گذشتن از خواست‌های دیگر است. علاوه بر این، انسان موجودی اجتماعی است و برای این که بتواند در کنار دیگران زندگی کند باید با رنج گذشتن از بخشی از خواسته‌های خود مواجه شود (۲۵).

#### دنیا و رنج

در آیه‌ی «لقد خلقنا الإنسان فی کبد»؛ همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم (بلد/۴)؛ خداوند به میزان رنجی که ملفوف در زندگی انسان است اشاره می‌کند. کلمه‌ی «کبد» به معنای رنج و خستگی است که جمله مورد بحث جواب قسم است و این تعبیر که خلقت انسان در کبد است به ما می‌فهماند که رنج و مشقت از هر سو و در تمامی شؤون حیات بر انسان احاطه دارد؛ این بیان یعنی این که هر انسانی به دیال آرامش محض و خوبی بی‌آلایش است در حالی که در این دنیا هر چه به او برسد و یا انسان برایش تلاش نماید در درسی با خود به همراه دارد که از خلوص آرامش و راحتی و لذت او بکاهد (۱۰). ابن عباس و سعید بن جبیر و حسن منظور آیه را در تعب و سختی و رنج بودن انسان می‌دانند که مصیبت‌های دنیا و سختی‌های آخرت و متحمل می‌شود؛ فرزند آدم همواره متحمل سختی و ناراحتی می‌شود تا از دنیا بیرون برود.

آیاتی دیگری نیز در این بیان قرار دارد از جمله آیه‌ی «الذی خلق الموت والحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملاوهو العزیز الغفور»؛ آن که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و او توانای شکست‌ناپذیر و بسیار آمرزنده است؛ که به آزمایش شدن انسان به واسطه‌ی گذر از رنج اشاره دارد. «الذی خلق الموت والحیوة»؛ یعنی مرگ را برای صبر بندگان آفرید و زندگی را برای شکر از آن ایجاد کرد. ابو قتاده می‌گوید که از حضرت رسول (ص) پرسیدم، از قول خدای تعالی که مقصود از «ایکم احسن عملاً» چیست؛ ایشان فرمود: «کدامیک شما عقلش نیکوتر است»؛ سپس فرمود: «مقصود کاملترین شما از جهت عقل و شدیدترین شما از جهت ترس از خدا و نیکوترین شما در آنچه امر

است و هر فردی خواه‌ناخواه با آن مواجه خواهد شد. شاید بتوان ابتدای اندیشه بشری را در مواجهه او با یک رنج دانست؛ چرا که انسان در عافیت و خوشی، فرصتی برای تأمل و تفکر پیدا نمی‌کند و تنها در بستر رنج و سختی است که در خود فرو رفته و بر وقایع اطرافش می‌اندیشد (۲۵).

#### رنج ستیزی

انسان در مواجهه با رنج سه واکنش دارد که به تفصیل عبارتند از:

۱. واکنش انفعالی: در این واکنش رنج به عنوان چالشی تغییرناپذیر در مسیر تربیت آدمی در نظر گرفته می‌شود که راهی برای حذف یا مبارزه با آن وجود ندارد و تنها باید به شیوه‌های زندگی کرد که کمترین مواجهه با رنج پیش آید.

۲. واکنش تهاجمی: در این واکنش رنج مانعی در مسیر تربیت انسان به شمار می‌آید؛ مانعی که باید با آن مبارزه کرد و آن را از میان برداشت.

۳. واکنش تکاملی: در این واکنش نگاه مثبتی نسبت به رنج وجود دارد و رنج بستری لازم برای رشد و تعالی انسان محسوب می‌شود که در نگرش دینی این واکنش مورد استقبال و تأیید است.

اوج رویکرد تکاملی نسبت به رنج را می‌توان در فلسفه اسلامی مشاهده کرد. در رویکرد اسلامی، نگاه جامعی نسبت به رنج وجود دارد و در عین این که به رویکردهای انفعالی و تدافعی نیز توجه می‌شود، محوریت با رویکرد تکاملی است. در این دیدگاه، انسان باید از بخشی از رنج‌ها مانند رنج‌هایی که در نتیجه ارتکاب گناهان شکل می‌گیرد، گریزان باشد و با رعایت تقوی از مواجهه با آنها اجتناب کند. (۲۶) در مواجهه با بعضی رنج‌ها مانند بی‌عدالتی‌های اجتماعی باید مبارزه کند و در پی اجرای عدالت برای خود و دیگر انسان‌ها باشد (۲۷) ولی در نهایت باید بداند از بخشی از رنج‌ها نمی‌توان فرار کرد یا آنها را از میان برداشت؛ بلکه ذات رنج برای رشد و اعتلای انسان است. هیچ انسانی در پی به دست آوردن هیچ نعمتی بر نمی‌آید، مگر آنکه حوادث ناگوار چون شرنگی کشنده کام جانش را تلخ می‌کند (۱۰). در این بین باید با صبر کردن در برابر سختی‌ها، سعه وجودی پیدا کرد؛ چنانچه فیلسوفی مانند ملاصدرا معتقد است در اثر گوشه‌نشینی و مجاهدت‌های طولانی، جانش مشتعل و قلبش بر اثر کثرت ریاضتها به شدت ملتهب شد و در نتیجه آن انوار ملکوت بر قلبش تابید و رموز عالم جبروت بر او آشکار شد و توانسته به صلاح راه یابد (۲۸).

بارویکرد تکاملی در آیات متعددی سخن از رنج به میان آمده است که رنج را جز لاینفک زندگی معرفی نموده و پذیرش و سازش با آن را امری پسندیده معرفی نموده است. در آیه‌ی «أحسب أناس أن یتروکوا أن یقولوا ءامنا وهم لا یفتنون»؛ آیا مردم گمان کرده اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می‌شوند و آنان [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ (عنکبوت/۴)؛ خداوند به انسان یادآوری می‌کند که آزمایشی در راه است و مسیری است که همگان طبق مقتضای خویش باید طی کنند از این رو به یکی از مهمترین مسائل زندگی بشر که مسأله شدائد و فشارها و آزمونهای الهی است اشاره می‌کند بعد بلافاصله

و نهی فرمود از جهت نظر و التفات است و گرچه کمترین شما از جهت اعمال مستحبه و نافله باشد.»

دوای رنج

در آیهی «إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ»؛ مگر کسانی که [در خوشی‌ها و آسیب‌ها] شکیبایی ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند، اینانند که برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است (هود/۱۱)؛ خداوند اشاره دارد به این که انسان با صبر بر رنج‌ها به تعالی می‌رسد. «إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ» اشاره دارد به آن مردمی که در برابر سختی صبر کنند و در نعمت شکر گذاری کنند و بر کارهای شایسته و اعمال صالح مواظبت دارند؛ برای آن‌ها آمرزش و پاداش بزرگی است که همان بهشت باشد. آیات دیگری از جمله آیات: ۹۹ مائده، ۷ فاطر، ۴ سبأ، ۲۹ فتح، ۵۰ حج، ۵۸ عنکبوت، ۹ اسراء، ۵۴ قصص، ۱۲ ملک، ۹۶ و ۹۷ و ۱۱۰ نحل و... نیز اشاره به این موضوع دارد که صبر را حلقه‌ی وصل انسان خویش‌نشان و تحقق تعالی او بیان می‌نماید.

اهل بیت (ع) در روایات متعددی نیز به رنج با رویکرد تکاملی نگریسته‌اند؛ روایاتی که ابتلائات انسان را بیان می‌کند به سر رنج در زندگی انسان می‌پردازد. ابو حمزه روایت کرده که حضرت کاظم علیه السلام فرمودند: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ مَثَلُ كَفَتَى الْمِيزَانِ، كَلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَاءِهِ، لِيَلْقَى اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ) وَلَا خَطِيئَةَ لَهُ.»؛ حکایت مؤمن حکایت دو کفه ترازو است. هرگاه بر ایمانش افزوده شود بلایش افزوده می‌شود تا خداوند را بدون هیچ گناهی دیدار کند. این روایت به ارتباط بلا و رشد انسان اشاره دارد؛ هرچه ایمان بیشتر باشد، بلا در زندگی او بستر است تا انسان را پاک کرده و او را رشد دهد. برخی روایات بلا را کفاره گناهان معرفی می‌نمایند. امام باقر (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «پیوسته غم و اندوه گریبان گیر مؤمن باشد تا برای او گناهی به جا نگذارد و در روایاتی از بلا به عنوان سبب تذکار و یاد آوری یاد شده است؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: «بر مؤمن چهل شب نگذرد، جز این که پیش آمدی برایش شود که غمگینش سازد تا موجب تذکرش گردد.»

و یا عاملی برای صیقل روح معرفی می‌گردد؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «در حوادث روزگار جوهر مردان شناخته می‌شود.» (نهج البلاغه، حکمت: ۲۱۷) در چنین نگاهی، رنج انسان را به درون خویش می‌برد و او را با درون خود آشنا می‌کند و دیگر در ناامیدی به دنبال مقاومت نمی‌گردد؛ در پی نجات خویش از رنج تقلا نمی‌کند؛ یا سعی نمی‌کند رنج را فراموش کند. در چنین نگاهی، اطاعت و تسلیم در برابر رنج، ستودنی است. اگر کسی تسلیم و سرسپردگی در برابر رنج را به درستی نیاموزد، در اثر رنج به پوچی، ناامیدی و سرخوردگی مبتلا می‌شود. در این جا خویش‌نشان بانی به انسان می‌آموزد که چگونه با اراده و انگیزه‌ی سعادت طلبانه رنج را پذیرفته و آثارش از جمله صبر و شکرگزاری را به عنوان لوازم پیمودن در مسیر تعالی خویش به کارگیرد.

### نتیجه گیری

به طور خلاصه در پاسخ به سوال مهم این پژوهش که آیا انسان بدون مربی بیرونی قادر به تربیت خود می‌باشد، می‌توان گفت که تعادل یابی انسان در وجوهات گوناگون زندگی منجر به تعادل روانی و فکری او می‌گردد و همگی در گرو نهادینه شدن مبانی خویش‌نشان بانی مبنی بر «بینش انفسی و آفاقی» در وجود انسان است تا بدین سان بتواند در مسیر خود تربیتی گام بردارد و همچون ناظری بیرونی خود را حفاظت نماید. شناخت انفسی اولین گامی است که انسان باید در مسیر زندگی بردارد تا به وجوهات گوناگون خویش آگاه گشته و بتواند در رفع نیازها و نوع جهت دهی و پاسخگویی به آن‌ها، درست عمل نماید.

از سوی دیگر انسانی که در عالم دنیا ملفوف با رنج‌ها و نعمت‌هاست شایسته است تا نوع تعامل خود را با آن‌ها تنظیم نماید و این امر نیز در گرو شناخت آفاقی انسان می‌باشد. از این رو لازم است انسان حقیقت رنج و نعمت را بر او بشناسد و از شکرگزاری، صبر و رزق و قناعت پیشگی در رابطه با این دو امر بهره جوید. بنابراین راهبردی محوری خویش‌نشان بانی موجب نظام بخشی به تمام وجوهات زندگی می‌شود و انسان را از تلاطم، سرگردانی و افراط و تفریط و طغیان نجات می‌دهد. خویش‌نشان بانی اهرم قدرتی است که در انسان نظارت و حفاظت را سکان دار کشتی زندگی کرده و او را در بحران‌ها و حوادث یاری می‌کند. از این رو توجه به نهادینه کردن و آشنایی با مبانی خویش‌نشان بانی از اصول خود تربیتی به شمار می‌آید و شایسته است در ساختار زندگی هر انسانی جای گیرد تا مقدمه ای برای پذیرش اطاعت الهی و کسب مقام تقوا باشد.

### References

- The Holy Quran, translated by Hossein Ansarian.
- Nahj al-Balaghah, translated by Muhammad Dashti.
1. Izadi, Mehdi, Ashouri Rudposhti, Rokhsar. 2013, "The role of piety in social interactions", Islamic Insight and Education, No. 25, pp. 81-108.
  2. Rezaei, Yousef 1979, "Education based on piety, education", Quarterly Journal of Education, No. 3, pp. 48-53.
  3. Sadeghi Ardestani, Ahmad. 1365, The role of piety in education, Payvand Magazine, Volume 84, 37-39.
  4. Kazemi Abhar, Zabihullah. 1388, "Piousness, Abstinence, Anti-Piousness, Islamic Knowledge", Journal of Teacher Development, No. 243, 23-25.
  5. Keshavarz, Susan. 2007, "The Role of Piety in Physical and Mental Health", Payvand Magazine, No. 32, pp. 10-15.

18. Knowledge, Mohammad Hadi. 1388, *Al-Tamheed in Quranic Sciences*, Qom: Al-Tamheed Publishing Cultural Institute.
19. Makarem Shirazi, Nasser, *The Message of the Qur'an, A New Method in Thematic Interpretation of the Qur'an*.
20. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan 1395, *Assembly of Statement in the Interpretation of the Qur'an* Tehran: Farahani.
21. Haeri Shirazi, Mohi-ud-Din. 1397, *religious education of children*, Qom: Maaref Publishing Office.
22. Havizi, Abdul Ali Ibn Juma. 1415 AH, *Tafsir Noor al-Thaqalin*, Qom: Ismailis.
23. Ayashi, Muhammad ibn Mas'ud, *Tafsir al-Ayashi*. 2001, Editor: Hashem Rasooli, Tehran: Islamic Scientific Library.
24. Abu al-Futuh Razi, Hussein ibn Ali. 1992, *Rawd al-Jannan and Ruh al-Jannan in Tafsir al-Quran*, Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.
25. Asgari, Zahra; Nowruzi, Reza Ali; Mohammadi Chabaki, Reza 1396, "Analysis of three approaches to the educational role of suffering, new educational ideas", Volume 49, pp. 51-71.
26. Ibn Sina, Hussein Ibn Abdullah (1319), *Ibn Sina and the Management of the House*, translated by Mohammad Najmi Zanjani, Tehran: Book Publisher Complex, p. 227
27. Khomeini, Ruhollah. 2006, *Sahifa Imam*, 22 volumes, Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini (Orouj Publishing), Fourth Edition.
28. Mulla Sadra, Sadr al-Din Muhammad 2003, *The Evidence of Godliness in Behavioral Methods*, with correction, research and introduction by Seyyed Mostafa Mohaghegh Damad, Tehran: Sadra Wisdom Foundation.
6. Ibn Manzoor, Abu al-Fadl Jamal al-Din Muhammad ibn Makram. 1410, *Arabic language*, 15 volumes, Beirut: Dar Beirut for printing and publishing.
7. Al-Qayyumi al-Muqari, Ahmad ibn Muhammad ibn Ali.
8. Stuart Shanker. 1399, *Ravan Hami* website, translated by Elham Nikfar.
9. Motahari, Morteza. 1389, *Collection of Works, Volume 23, (The Perfect Man, Hafez Mysticism, Spiritual Freedom, Part of Twenty Speeches, Piety, Generalities of Islamic Sciences: Mysticism)*, Tehran: Sadra.
10. Tabatabai, Mohammad Hossein Dam. 1374, *Tafsir Al-Mizan*, translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications Office, Qom Seminary Teachers Association.
11. Qaraati, Mohsen 2004, *Tafsir Noor*, Volume 8, Tehran: Cultural Lessons from the Quran Cultural Center.
12. Motahari, Morteza. 1358, *An Introduction to the Islamic Worldview*, Tehran: Sadra.
13. Shir Afkan, Mohammad Hussain 1394, "Analysis of the semantic field of piety in the Holy Quran, Master", Qom University of Quranic Sciences and Hadith.
14. Makarem Shirazi, Nasser. 2001, *Sample Interpretation*, Tehran: Islamic Library.
15. Mohammad Rey Shahri, M. *Mizanat al-Hikma*, Translator: Hamid Reza Sheikhi, Qom: Dar al-Hadith.
16. Bahrani, Hashem bin Suleiman. Bi Ta, *Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran*, Qom: Publication of Besat Foundation (Islamic Research Unit).
17. Tamimi Amadiyah, Abdul Wahid Ibn Muhammad 1410 AH, *Gharr al-Hakam* and *Dar al-Kalam*, translator: Mustafa Drayati, Qom: Islamic Library.